

علیرضا وکیلی| در کشاکش نبرد سرنوشت ساز امروز که جبهه حق با تمام توان دربرابر هجمه استکبار قد علم کرده است، بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی دقیق «ست‌های پیروزی» نیاز داریم. رهبر شهید و حکیم انقلاب، بارها در مقاطع بحرانی تأکید می‌کردند که محاسبات مادی دشمن دربرابر اراده الهی، سربایی بیش نیست. ایشان با نگاهی تمدنی، گشایش بن بست‌ها را در گرو اتصال به منبع قدرت لایزال می‌دانستند. از این‌رو در سلسله مطالب پیش‌رو، به بازخوانی رهنمودهای آن عزیز سفرکرده درباره «آیات نصر» خواهیم پرداخت تا نقشه راه پیروزی را از دل کلام وحی استخراج کنیم.

قرآن کریم در سوره مبارک محمد^(ص)، تکیه‌گاه اصلی اقتدار را چنین ترسیم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَشُكُّوْا إِلَٰهَ يُنْصِرْكُمْ وَيُغْنِيَكُمُ أَفْءَاكُمُ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر [ایین] خدا را یاری کنید، او شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد. این آیه، «سند جامع اقتدار» ما در معرکه کنونی است. طبق تبیین رهبر شهید انقلاب و با استناد به حقایق تفسیری، نصرت الهی پاداش حرکت شجاعانه ماست، یعنی زمانی که یک ملت برای حق به پا می‌خیزد و از هیمنه پوشالی دشمن نمی‌هراسد، خداوند نیروهای غیبی خود را به مدد اراده‌ها می‌فرستد. در شرایط حاضر، «یاری کردن خدا» یعنی حفظ وحدت ملی، حمایت بی‌دریغ از مدافعان میهن و ایستادگی دربرابر جنگ روانی. پاداش این همدلی، «پیروزی جبهه حق» است؛ همان اقتداری که محاسبات دشمن را زمین‌گیر می‌کند و لرزه بر اندام ائتلاف شیاطین می‌اندازد. ایمان به نصرت الهی مانند «ستون مرکزی یک خیمه» در طوفان است. تا زمانی که این ستون (توکل و یاری جبهه حق) پابرجاست، تندبادهای نبرد و تحریم نمی‌توانند سقف آرامش جامعه را فروبریزند.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است/ راه روگر صدهنر دارد، توکل بایدش بیابیم با تقویت روحیه مقاومت و پرهیز از هرگونه جدال و گسست، جبهه داخلی را به دژی نفوذناپذیر تبدیل کنیم، نصرت خدا در یک‌قدمی صابران است؛ همان‌گونه که آن عزیز مشفق مژده می‌داد: «پیروزی نهایی، متعلق به ملت مؤمن و جبهه حق است.» حضور حماسی در صحنه و پیوند قلبی با آرمان‌ها، همان یاری خداست که به شکست قطعی جبهه باطل ختم خواهد شد. در روزهای آینده، ابعاد دیگری از این «گد‌های نصرت» را در کلام رهبر شهید انقلاب مرور خواهیم کرد.

مدیریت اضطراب با ۳نسخه آسمانی

محمدجواد علیپورا در روزگاران پرتلاطم جنگ و ناامنی که سایه ترس و نگرانی بر خانه‌ها سنگینی می‌کند، حفظ آرامش و انسجام خانوادگی، بیش از هر زمان دیگری اهمیت می‌یابد. آموزه‌های دینی با گنجینه‌ای از حکمت و معنویت، چراغ راهی برای عبور از این طوفان‌ها هستند. قرآن و روایات، با تأکید بر صبر، توکل، ذکر الهی و محبت متقابل، ابزارهایی قدرتمند برای محافظت از بنیان خانواده در برابر فشارهای روانی ارائه می‌دهند. این متن با الهام از این منابع غنی، به بررسی چگونگی نهادینه‌سازی آرامش در خانواده در شرایط بحرانی، با تکیه بر معنویت و پیوندهای عمیق خانوادگی می‌پردازد.

حال سؤال این است که در شرایط جنگی، چگونه آرامش خانواده را حفظ کنیم؟ در چنین وضعیتی که اضطراب، بی‌ثباتی و نگرانی‌های عمیق، فضای روانی خانواده را تهدید می‌کند، بازگشت به آموزه‌های دینی، می‌تواند مانند بارانی آرام‌بخش بر دل‌ها فرود آید. قرآن و روایات نه تنها ما را به صبر دعوت می‌کنند، بلکه راه‌های عملی ایجاد آرامش در خانه را نیز نشان می‌دهند. نقطه آغاز، یاد خداست. آیه «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَقْلُمُتُ الْقُلُوبُ» روشن می‌کند که آرامش واقعی نه از شرایط بیرونی، بلکه از اتصال درونی به معنویت حاصل می‌شود. خانواده‌ها می‌توانند با خواندن روزانه چند آیه از قرآن کریم، رزمزه ذکرهای کوتاه یا پریایی نماز جماعت در خانه، یک فضای روحانی خلق کنند که قلب‌ها را آرام سازد و اضطراب را کاهش دهد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» نیز یادآوری می‌کند که دورکن اصلی عبور از بحران، صبر و نماز است. صبر در آموزه‌های دینی به معنای تحمل منفعلانه نیست، بلکه به معنای حفظ خویشتن داری، مدیریت هیجانات و ایستادگی خردمندانه در شرایط دشوار است. خانواده‌ای که والدینش در رفتار، گفتار و تصمیم‌گیری‌ صبور باشند، امنیت روانی بیشتری به فرزندان منتقل می‌کند. روایت پیامبر اکرم^(ص) که «الصبر نصف الإيمان» را بیان می‌کند، نشان می‌دهد که صبر بنیانی برای سلامت روان و استحکام خانوادگی است. در کنار صبر، توکل بر خدا نیز نقش محوری دارد. آیه «قُلْ لِّیُصِیْبِنَا إِلَّا مَا کَتَبَ اللَّهُ لَنَا» خانواده را از نگرانی‌های افراطی رها می‌کند و به جای تصور بدترین‌ها، اعتماد به حکمت الهی را جایگزین می‌سازد. این نوع نگاه، اضطراب را کاهش می‌دهد و امیدوارانه‌زیستن را تقویت می‌کند. همچنین این سخن امام صادق^(ع) «ما أعطى المؤمن خیراً من الرضا» نشان می‌دهد که رضایت قلبی، یکی از عمیق‌ترین سرچشمه‌های آرامش است.

ازسوی دیگر، محبت و همدلی در خانواده نقش بسیار مهمی دارد. پیامبر اسلام^(ص) فرمودند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِینَ فِی تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ... کَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ». یعنی در بحران‌ها باید کنار هم بود، دردهای یکدیگر را درک کرد و با محبت، قدرت و امید، برخورد کرد. این همدلی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان که حساس‌ترند، بسیار آرام‌بخش است. مجموع این آیات و روایات، نشان می‌دهد که خانواده با سه ستون یاد خدا، صبر فعال و محبت متقابل، می‌تواند حتی در سخت‌ترین روزها، فضایی سرشار از سکینه و قوت روحی بسازد.

امنیت جزو شرایط استطاعت است

حسین ابراهیمی| در آیین اسلام بر هر مکلف مستطیع، در طول عمر یک بار حج واجب می‌شود که این حج، حَجَّةُ الاسلام نامیده می‌شود. طبق نظر رهبر شهید انقلاب، امام خاتمه‌ای، وجوب حج فوری است. یعنی در صورت تحقق شرایط استطاعت، فرد باید در همان سال به حج برود و به تأخیر انداختن آن بدون عذر جایز نیست و اگر به تأخیر انداخت، مصحیت کرده و حج بر عهده‌اش باقی است – هر چند استطاعت از بین برود- و واجب است در اولین سال امکان، آن را به جا آورد. نکته مهم دیگر آن است که اگر انجام حج در سالی که استطاعت پیدا کرده است، مشروط به فراهم آوردن برخی مقدمات- مانند سفرکردن و تهیه اسباب و امکانات آن- باشد، باید برای آن اقدام کند؛ به گونه‌ای که مطمئن باشد در آن سال حج را درک می‌کند. پس اگر مکلف در این کار کوتاهی کند و در نتیجه نتواند حج را به جا آورد، معصیت کرده است و حج بر ذمه او باقی می‌ماند و باید آن را ادا کند؛ هر چند شرایط استطاعت از بین برود. یکی از شرایط استطاعت در نظر رهبر شهید انقلاب، استطاعت طریقی است. استطاعت طریقی یعنی راه برای رفتن به حج باز و امن باشد. بنابراین کسی که راه بر او بسته است، به‌طوری‌که نمی‌تواند به میقات برسد یا اعمال حج را تکمیل کند و نیز کسی که راه برایش باز است ولی امن نیست، مانند آنکه در راه، جان یا بدن یا ابرو یا مال او تهدید شود، حج بر او واجب نیست.



جامعه کبیره؛ دانشگاه امام‌شناسی

سمانه رضوانی| زیارت جامعه کبیره یکی از متن‌های مهم شیعه است که کمک می‌کند مقام و نقش امامان را بهتر بشناسیم. در زیارت جامعه، امام فقط یک شخصیت تاریخی نیست؛ راهنمایی است که انسان را در مسیر درست زندگی و نزدیک شدن به خدا همراهی می‌کند. هر بخش از آن، تصویری روشن از ویژگی‌های امامان مانند علم، پاکی، صداقت و مسئولیت هدایت مردم ارائه می‌دهد. جامعه کبیره به شیعه یادآوری می‌کند که شناخت امام، بخش مهمی از شناخت دین و راه رسیدن به آرامش و اطمینان در زندگی است؛ به همین دلیل، این زیارت می‌تواند شروعی خوب برای عمق دادن رابطه خود با امام معصوم^(ع) باشد.



استمرار رسالت در امامت

تعبیر «وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ» یعنی حقیقت رسالت در امام، استمرار می‌یابد. در نگاه شیعه، رسالت فقط با ختم نبوت پایان نمی‌یابد، بلکه نیاز به مفسر معصوم دارد تا دین دچار تحریف، سوء برداشت و اختلاف نشود. بنابراین امام معصوم «موضع الرساله» است؛ یعنی دین نازل شده بر پیامبر^(ص) در وجود او شرح، تفسیر و حفاظت می‌شود. پس این عبارت به مقام رسالت که واسطه میان پیامبر و مردم است، اشاره می‌کند، زیرا برخی پیام‌های الهی را فقط اهل بیت^(ع) باید انتشار بدهند و فرد دیگری شایستگی این کار را ندارد. این ویژگی نشان می‌دهد که امام فقط عالم به دین نیست، بلکه محل تحقق و تفسیر زنده رسالت است.

بشری با جایگاه ملکوتی

از ویژگی‌هایی که برای امامان معصوم^(ع) در زیارت‌های متعدد از جمله زیارت جامعه آمده، «مختلف الملائکه» بودن آنان است، یعنی امامان^(ع) محل آمدورفت ملائکه هستند و این چهره‌های آسمانی در زمین به زیارت امامان می‌آیند. در برخی روایات آمده است که تعلیم و آموزش فرشتگان به‌عهده امامان است؛ چون نور امامان قبل از نور فرشتگان آفریده شده و در بعضی روایات آمده است که «ملائکه» به خانه امامان آمدوشد دارند، به‌رحال باید به این نکته توجه کرد که شیعه‌ای که امامان^(ع) را باور دارد، باید ضمن آنکه «بشر» بودن پیامبر^(ص) و امامان^(ع) را می‌پذیرد، مقامات ملکوتی آن‌ها را هم بپذیرد که نپذیرفتن آن یعنی معرفت نداشتن به جایگاه و مقام امامت. حال چرا این پذیرش مهم است؛ چون داشتن این مقام، نشان‌دهنده طهارت و جودِی، اتصال معنوی و نقش الهی امام در اداره عالم است.

امام، معدن رحمت است

خداوند می‌فرماید: «...و رحمتی وسعت کل شیء...» رحمت من همه چیز را فرا گرفته است. «(اعراف/ ۱۵۶) پس معلوم می‌شود که هر چه در عالم هست، تمام مخلوقات و موجودات، در پوشش رحمت خدا قرار گرفته‌اند و همه کائنات، تجلیگاه رحمت خدا هستند. ائمه معصوم^(ع) معدن این رحمت‌اند، یعنی پیدایش همه موجودات در عالم هستی، جماد و نبات و حیوان و انسان و... منشا و منبعش، وجود اقدس امام^(ع) است. سه مصداق از مصداق رحمتی را می‌توان برای «معدن الرحمه بودن امامان نام برد:

- ۱- امام با فعل و گفتار خود، مردم را به خیر و احسان دعوت می‌کند و راه‌های رسیدن به رحمت خدا را نشان می‌دهد.
- ۲- امام، واسطه فیض الهی است؛ یعنی خداوند، رحمت خویش را از طریق وجود امام بر جهان جاری می‌کند.
- ۳- رحمت اخلاقی: در تاریخ زندگی امامان، نمونه‌های فراوانی از مهربانی، بخشش و همراهی با مردم دیده می‌شود؛ مانند گذشت‌های امام حسن^(ع)، مهربانی امام رضا^(ع) با زبردستان یا دستگیری‌های امام علی^(ع) از یتیمان و محرومان.

هم‌سنگ قرآن در هدایت

در شروع این زیارت، سلام می‌دهیم به «أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ». این خطاب فقط یادآوری خویشتن‌دلی ائمه^(ع) باحضرت رسول اکرم^(ص) نیست، بلکه‌ان هاقط کسانی هستند که در خلقت، شایستگی بیت ولایت را دارند. در اندیشه شیعه، امامان ادامه‌دهنده همان رسالتی هستند که پیامبر^(ص) برای هدایت بشر آغاز کرد، اما نه به معنای پیامبری جدید، بلکه به معنای تداوم بخشیدن به حقیقت و محتوای دین. پیامبر اسلام^(ص) فرمودند: «من درمیان شما، قرآن و اهل بیتم را باقی می‌گذارم.» این حدیث نشان می‌دهد که اهل بیت^(ع)، همراه و هم‌سنگ قرآن در هدایت هستند و از آن جدنامی شوند؛ به همین دلیل در زیارت جامعه، آن‌ها «اهل بیت نبوت» معرفی شده‌اند؛ یعنی کسانی که حقیقت وحی، سیر نبوی، علم پیامبر^(ص) و تفسیر اصیل دین در وجودشان تداوم یافته است. پس «اهل بیت نبوت» یعنی خاندان حامل پیام، وارثان اخلاق، علم و مأموریت پیامبر^(ص) برای هدایت انسان.

محل فرود وحی

وَمَهْمُظُ الْوُحَى یعنی محل فرود وحی. این تعبیر در قرآن کریم و متون روایی به‌کار رفته و در زیارت جامعه کبیره نیز به‌عنوان یکی از اوصاف امامان شیعه ذکر شده است. وحی در قرآن کریم، اقسام مختلفی دارد و چنانچه وحی را در «مَهْمُظُ الْوَحَى»، جایگاه فرود وحی، به معنای الهام بدانیم، امامان به معنای حقیقی، «جایگاه فرود وحی» دانسته می‌شوند. به تعبیر دیگر، به امام وحی می‌شود و امام با عالم غیب، ارتباط ویژه‌ای دارد. امامان نیز در موارد مختلف، چنین رابطه‌ای را توضیح می‌دادند و آن را همانند وحی به مادر موسی^(ع) می‌دانستند. حارت درباره دانش امامان، از امام صادق^(ع) می‌پرسد: «چگونه به قلب یا گوش امام، القا می‌شود؟» امام^(ع) در پاسخ می‌فرماید: «وَحَى كَوْحَى أُمِّ مُوسَى، وحیی است همانند وحی [به] مادر موسی.»

جهاد؛ تبلور ایستادگی دربرابر دشمن

جهاد، در قالب دفاع از میهنمان توسط رزمندگان سلحشور در جبهه‌های نبرد متجلی می‌شود. آیه شریف «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْقَبِيلِ» (انفال/ آیه ۶۰) نیز بر لزوم آمادگی برای دفاع و کسب قدرت در برابر دشمنان تأکید می‌کند که این آمادگی، لازمه جهاد با جان است.

جهاد با مال

جهاد با مال، بازوی توانمند جهاد با جان و ابزاری حیاتی برای حفظ اقتدار و استقامت دربرابر دشمن است. در همان وصیت شریف، حضرت علی^(ع) تأکید می‌کنند: «وَاللَّهِ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). این بدان معناست که تأمین هزینه‌های دفاع، پشتیبانی از جبهه‌ها و کمک به خانواده‌های رزمندگان، خودنوعی جهاد محسوب می‌شود. در دنیای امروز، جنگ‌ها نیازمند صرف هزینه‌های فراوان برای تجهیزات، پشتیبانی و حفظ توان عملیاتی است. از این‌رو بذل مال در راه خدا، نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک ضرورت راهبردی برای مقابله با دشمن و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است. اتفاق در راه خدا همانند آنچه در آیه «وَمَقَارِفُ نَفْتُمْ نِفْتُون» (بقره، ۱۳) آمده است، موجب برکت و تقویت دین الهی می‌شود.

جهاد با زبان

در دنیای امروز، مرزهای جنگ از میدان‌های نظامی فراتر رفته و عرصه‌های فرهنگی و فکری نیز به صحنه نبرد تبدیل شده است. جهاد با زبان» در این میان، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) علاوه بر جهاد با جان و مال، به جهاد با زبان نیز اشاره کرده‌اند: «وَاللَّهِ فِي الْجِهَادِ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). در دوران حضرت علی^(ع) این جهاد بیشتر به تشویق دیگران برای حضور در جنگ نظامی تعبیر می‌شد. اما امروزه معنایی بس گسترده‌تر یافته است. دشمن با ابزارهای پیچیده فرهنگی و رسانه‌ای در تلاش است تا باورها، ارزش‌ها و فرهنگ

حائیه سالام جهاد، مفهومی عمیق و چندوجهی در فرهنگ دینی ماست که به معنای تلاش و کوشش در راه خدا و دفاع از ارزش‌های الهی و انسانی است. این تلاش می‌تواند در عرصه‌های مختلفی همچون نبرد نظامی، بذل مال، روشنگری با بیان و... صورت پذیرد. میدان جهاد برای مؤمنان، میدان اظهار عشق به محبوب و میدان مقاومت و پیروزی است که در آن، ترس معنا ندارد. اما برای منافقان، میدان مرگ، به منزله نابودی، جدایی از لذات دنیا، تارک و ظلمانی با آینده‌ای وحشتناک و بی‌اسم است. این تقابل، تنها نبردی نظامی نیست، بلکه عرصه‌ای گسترده است که در آن تمامی ظرفیت‌های یک ملت از جان و مال گرفته تا قلم و بیان در راه دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های الهی به‌کار گرفته می‌شود.

گسترده‌ای فراتر از نبرد تن به تن

قرآن کریم بارها بر اهمیت جهاد در راه خدا تأکید کرده است. این مفهوم صرفاً به معنای درگیری نظامی و فیزیکی نیست، بلکه گستره‌ای وسیع‌تر را دربر می‌گیرد. خداوند متعال در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/ آیه ۸۸) مسلمانان را به جهاد در راه خدا آن‌گونه که شایسته است، فرامی‌خواند. این آیه خود گویای آن است که جهاد، ابعاد مختلفی دارد و محدود به یک شکل خاص نمی‌شود. جهاد واقعی، تلاشی همه‌جانبه برای اعتلای کلمه حق و مقابله با هرگونه انحراف و ستم است؛ تلاشی که با نیت خالصانه و در مسیر رضای الهی رقم می‌خورد.

جهاد با جان

یکی از مصداق برجسته جهاد، «جهاد با جان» است که در سخت‌ترین شرایط، فدای عقیده و آرمان می‌شود. امیرالمؤمنین علی^(ع) در وصیت‌گران قدرشان ما را به جهاد با جان‌ها در راه خدا سفارش کرده، می‌فرمایند: «وَاللَّهِ فِي الْجِهَادِ بِأَنْفُسِكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). این فرمایش، نشان از اهمیت و جایگاه رفیع این نوع جهاد دارد. در روزگار ما، این جهاد با